

نشریه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، سال ۱۶، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۱۰۰-۷۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت مردم در توسعه روستایی با تأکید بر روش تفکر عقلانی (نمونه موردی دهستان سنبل آباد)

حمید شایان^۱؛ علی اکبر تقی‌لو^۲؛ علی اکبر عنابستانی^۳

چکیده

مشارکت به عنوان یکی از راهبردهای توسعه پایدار، در عمل با چالش‌هایی روبه‌رو است. این چالش‌ها یا ریشه فرهنگی - فکری دارد و یا به استراتژی‌های جلب مشارکت پیوند خورده است. این نوشتار ریشه‌های ضعف مشارکت رسمی و غیررسمی روستائیان را در چهار چوب روش فکری - فرهنگی جستجو می‌کند. روش تحقیق بر مبنای توصیفی - تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای پرسشنامه و اسناد کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد جامعه در نهادهای رسمی مشارکت نداشته و یا کمتر مشارکت می‌کنند. ولی در زمینه‌های غیررسمی عمومی حدود ۶۰ درصد مردم مشارکت دارند که علت آن آداب و رسوم و عرف اجتماعی است و به انگیزه شخصی و فکری ارتباط زیادی ندارد. با توجه به آزمون‌های آماری، عوامل مشارکت‌گریزی در فعالیت‌های رسمی با میزان فردگرایی، مسؤولیت‌گریزی، ضعف اعتماد مردم نسبت به همدیگر و فقدان آینده‌نگری رابطه معنی‌داری دارد. با توجه به اینکه نهادهای مدنی می‌تواند فرهنگ مشارکت را در جامعه نهادینه سازد، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند بر موانع مشارکت غلبه نماید.

واژگان کلیدی: روش تفکر، مشارکت، توسعه روستایی، نالیمنی ذاتی، سنبل آباد.

E-mail:shayan34@yahoo.com.

۱- دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد.

۳- استادیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

مشارکت اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در تحقق توسعه و دموکراسی مورد توجه صاحب‌نظران توسعه قرار گرفته است. با توجه به نقش مشارکت اجتماعی در توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، و کاهش حاشیه‌نشینی و تحقق توسعه، مطالعه چالش‌های مشارکت اجتماعی بویژه در جامعه ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن قرار دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که مشارکت اجتماعی به کنش‌های جمعی آگاهانه، داوطلبانه و کم و بیش سازمان یافته افراد در جهت منافع عمومی جامعه مرتبط می‌شود.

مشارکت مردمی در فرایند برنامه‌ریزی روستایی یکی از راهبردهای توسعه پایدار در جهت از بین بردن فقر، نابرابری، بیکاری و مشکلات زیست‌محیطی است. واژه مشارکت در توسعه در سال ۱۹۵۰ بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد ولی در دهه ۷۰ و ۸۰ همزمان با رویکرد توسعه پایدار وارد ادبیات توسعه روستایی شد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). در ایران نیز مشارکت مردم در توسعه روستایی در برنامه چهارم قبل از انقلاب و در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم بعد از انقلاب مورد توجه قرار گرفت. با وجود تأکید بر مشارکت و نقش بی‌تردید آن در توسعه و تعالی وضعیت زندگی روستائیان، هنوز تشکلهای سازمان‌های مدنی به عنوان راهکارهای کارآمد مشارکت برای کاهش فقر، نابرابری و بیکاری به‌عنوان چالش‌های عمده جوامع روستایی شکل نگرفته است. عوامل متعددی می‌تواند در عدم مشارکت دلخواهانه مردم در اداره امور روستایی نقش داشته باشد. نوشتار حاضر مکانیسم علی‌فقدان مشارکت کارآمد را در روش فکری - فرهنگی مبتنی بر عقلانیت روستائیان جستجو می‌کند. چالش‌های فکری - فرهنگی مشارکت دلخواهانه مردم در امر بهبود زندگی در روستاها متأثر از روش تفکر از جمله ضعف اعتماد نسبت به یکدیگر، مسؤولیت‌گریزی، فقدان آینده‌نگری، تک‌الگواندیشی و فردگرایی است که منجر به مشارکت‌گریزی شده است. با توجه به مسائل فوق، تحقیق حاضر بررسی و تحلیل تأثیر چالش‌های فکری مبتنی بر عقلانیت در مشارکت دلخواهانه را هدف قرار داده است. برای تبیین موضوع سوالات زیر مطرح شده‌اند. چرا با وجود تأکید بر نقش مردم در امر بهبود شرایط زندگی، مشارکت مردم هنوز جایگاه مناسب خود را در فرایند توسعه روستایی به دست نیاورده و نتوانسته روستاها را

از توسعه نیافتگی نجات دهد؟ کدام عوامل در عدم مشارکت فعال و دلخواهانه روستائیان در امر توسعه روستایی نقش موثری بازی می کنند؟

مشارکت و سهیم شدن در امری وابسته به استقرار زمینه های ساختاری و فرهنگی است که مشارکت دلخواهانه مردم را در تحول وضعیت زندگی تسهیل کرده و تمام فعالیت ها را بهینه نماید. بنابراین در پاسخ به سوالات فوق در جهت تبیین مسأله، فرضیاتی به صورت ذیل مطرح می شود.

- ضعف حاکمیت روش فکری مبتنی بر عقلانیت (کارآمد) در جوامع روستایی با فرایند مشارکت روستائیان در امر توسعه رابطه معنی داری دارد.

- به نظر می رسد عامل اصلی در عدم مشارکت فعال روستائیان فردگرایی و تک الگواندیشی آنها باشد.

در زمینه میزان مشارکت مردم مطالعات زیادی صورت گرفته است. ولی مطالعات مرتبط با چالش های مشارکت در عمران روستایی، بسیار محدود است. از جمله یزدان پناه در زمینه موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی مطالعه ای انجام داده که بر اساس آن میزان مشارکت مردم را در زمینه های غیررسمی نسبت به زمینه های رسمی بالاتر، و در سطح کلی میزان مشارکت مردم را در سطح ضعیفی ارزیابی کرده است (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۵). این پژوهش موانع مشارکت را در مسائل خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی نشان داده است. تفاوت تحقیق فوق با پژوهش حاضر، سنجش موانع مشارکت اجتماعی در مسائل فرهنگی و فکری است که در این نوشتار مورد تأکید قرار گرفته است. مطالعه دیگری را رضوانی تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکت انجام داده است. در این تحقیق پیش زمینه اساسی مشارکت را، در سه گروه اداری - مدیریتی، ساختاری و اجتماعی تقسیم بندی کرده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در بین عوامل اجتماعی، مهارت های رهبری و ساماندهی در میان روستائیان بالاترین تأثیر را در مشارکت داشته است (رضوانی، ۱۳۸۸: ۶۷).

مفاهیم مشارکت

توسعه بیش از همه به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و استمرار توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). امر تواناسازی از طریق تسهیلات قانونی، مالی و اعتباری، آموزش مداوم و فراهم کردن فرصت‌های مشارکت برای اجتماعات محلی خواهد بود (همان: ۲۱۶). مشارکت وسیع در تصمیم‌گیری یکی از پیش نیازهای توسعه پایدار است و موجب مشروع بودن تصمیم‌ها، برنامه‌ها و پشتیبانی در اجرای آنها می‌شود. مشارکت به نوبه خود یک هدف است و اصل اساسی برابری را برآورده می‌سازد و می‌تواند سبب وفاق در مورد آرمان بلندمدت و حرکت به سوی پایداری شود (زاهدی، ۱۳۸۵: ۵۲). مشارکت ابزار است، برطبق تعریف بانک جهانی مشارکت فرایندی است که از طریق آن مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های توسعه، تصمیمات و منابعی که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سهیم و یا کنترل می‌کنند (Chilaka, 2005: 988).

مشارکت در اولین گام به عنوان ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات محیطی برای تصمیم‌گیری که هسته مفهومی توسعه پایدار می‌باشد (Primmer, 2006: 841)، مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر آگاهی از مسائل و مشکلات محیطی را افزایش می‌دهد و حل این مشکلات و مدیریت پایدار منافع نسل‌های آینده را مسؤولیت همگانی تعریف می‌کند (Stewart, 2008: 3). بنابراین مشارکت اولاً آگاهی و روابط میان مشارکت‌کنندگان را بهبود خشد و اطلاعات مفیدی در رابطه با چالش‌های محیطی برای برنامه‌ریزان فراهم می‌نماید. دوم، شناخت علت (چالش‌ها)، ضامن تأثیر دانش فنی و عقلانیت ابزاری برای قاعده‌مند کردن رفتار است و برنامه‌ای که بر این اساس به کار گرفته می‌شود نیازها را با فرایندهای اجتماعی منطبق می‌سازد (Leena, 2004: 606). واقعیت این است که هیچ نوع تعامل یا مشارکتی بدون آزادی عمل و بدون وارستگی افراد معنایی ندارد (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۲۹). مشارکت باید اولین نیاز و با اولویت‌ترین آرمان بشری، یعنی آزادی را که اعتماد به نفس، خود اتکایی و خود باوری را در انسان نهادینه می‌کند، تأمین نماید. این اتفاق صورت نمی‌گیرد مگر با مشارکت داوطلبانه مردم در عرصه فعالیت‌ها. البته مشارکت و میزان آن به سطح آزادی افراد در جامعه بستگی دارد.

مشارکت به کنش و واکنش افراد یک گروه برای رسیدن به هدفی مشترک گفته می‌شود که کم و بیش مورد قبول اعضاست به نحوی که تمام اعضای گروه با کمال میل، وقت، نیرو و امکانات برای اهداف گروه صرف می‌کنند. در این نوع مشارکت، پایگاه اجتماعی افراد با ارائه نقشه‌های مختلف و با پذیرش مسؤولیت‌های جدید در فرایند توسعه روستایی تقویت می‌شود. زیرا هر کمدی اجتماعی مثبت و عامه پسند می‌تواند اعتبار اجتماعی افراد را تعالی بخشد. در این میان اهتمام ویژه به امرآموزش روستائیان جهت قانع کردن آنها به مشارکت از طریق نهادهای مدنی، می‌تواند منجر به مشارکت مؤثر آنها در فرایند توسعه شود. ولی متأسفانه بیشتر دولت‌ها بنابر ماهیت شکل‌گیری و نظام فکری مسلط از ایفای این وظیفه روشن روی‌گردان یا غافل هستند. در نتیجه در بخش اعظم توسعه، بویژه توسعه روستایی، نقش دولت‌ها در پایین‌ترین سطح ممکن تنزل یافته و مشارکت مردمی نیز بیشتر در سطح ایدئولوژی، آنده‌آلیستی و شعاری تبلیغاتی باقی مانده است (شایان، ۱۳۸۷: ۶۹).

روش تفکر عقلایی (کارآمدی)

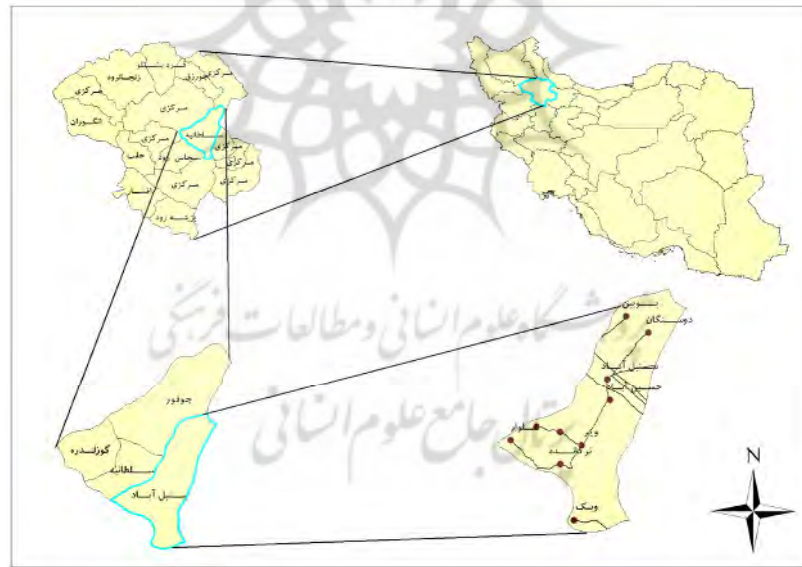
روش تفکر به نظم اجتماعی یا سیستمی که یک ملت در چارچوب آن زندگی می‌کند منتهی می‌شود. روش تفکر نسبت به تربیت، ماهیت استدلال، کار جمعی و نهادسازی، اختلاف و تضاد سیاسی و ثروت ملی و مازاد محصول ملی، نمونه‌هایی هستند که نهایتاً با برخی متغیرها به نوعی نظم منجر می‌شوند. در حقیقت روش تفکر کارآمدی رفتار و انتخاب انسان را در جامعه معین می‌کند.

رفتار عقلانی با کارآمدی انتخاب سنجیده می‌شود. بنابراین برخی متغیرها همانند، مسؤولیت‌پذیری، تک‌الگو اندیشی - فردگرایی منفی (انزوا از جامعه و منفعت‌طلبی فردی مطلق)، اعتمادگرایی و آینده‌نگری ماهیت استدلال، کار جمعی و نهادسازی یا به طور کلی مشارکت را که ابزار مهمی برای توسعه روستایی است از خود مؤثر می‌سازد. و کارآمدی رفتار و انتخاب انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظور از کارآمدی کسب منافع پایدار و گوناگون است.

انسان اجتماعی در وضعیتی از موضوع‌های مادی و اجتماعی میان هدف و وسایل رسیدن به این هدف‌ها دست به انتخاب می‌زند و فرایند نهادینه کردن انتخاب متضمن آن است که کنشگران کنش‌های خود را با یکدیگر هماهنگ سازند تا رضایت خاطر متقابل کسب نمایند. این فرایندها برحسب کسب انتظاراتی که مردم از یکدیگر دارند دیده می‌شود (کرایب، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه یکی از چهار دهستان سلطانیه این دهستان از سمت شرق به دهستان سلطانیه و سمت شمال به شهرستان طارم از غرب به بخش صائین‌قلعه و از سمت جنوب به شهرستان خدابنده، واقع در شهرستان ابهر در استان زنجان می‌باشد.



نقشه شماره (۱)

تعداد جمعیت مرد و زن در روستاهای مورد مطالعه به ترتیب ۱۵۳۰ و ۱۶۴۲ نفر و نسبت جنسی نیز ۱۰۷ نفر می‌باشد. جمعیت باسواد و بی‌سواد نیز به ترتیب ۲۳۸۴ و ۱۱۳۹ نفر است. نرخ باسوادی در این روستاها نیز ۷۵ درصد است.

مواد و روش‌ها

این نوشتار بر مبنای روش تحقیق پیمایشی، و منابع اطلاعاتی بر اساس مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی است. اطلاعات میدانی تحقیق، رفتارهای جامعه مورد بررسی را توصیف می‌کند و لذا از نوع تحقیقات پیمایشی به شمار می‌رود. ابزار اصلی به کار رفته در گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. در تجزیه تحلیل از آزمون‌های آماری کای اسکوئر و t استودنت استفاده گردیده است. آزمون الفای کرونباخ جهت سنجش روایی و میزان اعتبار داده‌ها بکار گرفته شده و مقدار آن ۰/۷۴۶ می‌باشد که نشانگر قابلیت نکویی داده‌هاست.

جامعه آماری تحقیق پنج روستا از دهستان سنبل‌آباد شهرستان ابهر در استان زنجان انتخاب شده‌اند. مبنای انتخاب شده‌اند. این روستاها دارای ۷۸۰ خانوار و ۳۱۷۲ نفر جمعیت بوده که ۴۰ درصد جمعیت دهستان را شامل می‌باشند. از این تعداد جمعیت بر اساس فرمول شارپ - کوکران ۳۹۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

مشارکت کنش عقلانی

آیا مشارکت در رسیدن به منافع افراد استراتژی کارامدی است؟ این پرسشی است که در این قسمت با توجه به نیاز چهار گانه انسان یعنی آزادی، ثروت، قدرت، حیثیت و اعتبار اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته این چهار اصل لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی بدون توانایی نه می‌توان به ثروت رسید و نه به حیثیت و آزادی.

آزادی و مشارکت: مفهوم آزادی در برابر سه مفهوم ضد آزادی مشخص و متمایز می‌شود: در برابر فشار؛ در برابر سلطه که مانع استقلال رای می‌گردد؛ و در برابر بردگی و انقیاد که مانع پیوستگی و مانع مشارکت می‌شود (بشلر، ۱۳۷۷: ۱۸۶). آزادی اصل اول نیاز انسان

است و انسان برای آزادی در تلاش است و تمام فکر و عملش برای غلبه بر ناپیمنی ذاتی و درونی خود است و این ناپیمنی زمانی بر طرف خواهد شد که انسان آزادی نسبی و درونی خود را بدست آورد. بر این اصل هیچ فرد عاقلی وجود ندارد که برای آزادی تلاش نکند. مشارکت بیش از هر چیز به آزادی درونی - غلبه بر ترس ذاتی - اشاره دارد یعنی به یادگیری، گوش دادن و شریک شدن و رهایی از هر نوع ترس و فرجام وداوری از پیش تعیین شده (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۳۱). بنابراین آزادی درونی آزادی بیرونی را امکان‌پذیر و معنی‌دار می‌سازد. آزادی علاوه بر اینکه خود ارتباطات اجتماعی و مشارکت مدنی را ممکن می‌سازد در مقابل مشارکت و یکی شدن نیز با قدرت و توانایی‌ای که به افراد گروه می‌بخشد حس اعتماد بنفس انسان را افزایش می‌دهد و از این طریق می‌تواند بر ناپیمنی درونی غلبه نماید.

توانمندی و مشارکت: قدرت و توانایی دیگر منافع انسانی است که انسان همیشه فکر و عملش را به آن معطوف کرده است و از آن در رسیدن به دیگر منافع دنیوی استفاده می‌کند. مشارکت «نوع ویژه‌ای از قدرت - قدرت مردم - که متعلق به طبقات و گروه‌های ستم‌دیده و استثمار شده و سازمان‌های آنها و دفاع از منافع منصفانه آنهاست تا بتوانند در جهت اهداف مشترک تحول اجتماعی در چهار چوب یک نظام مشارکتی حرکت کنند (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۲۲). راولند معتقد است که توانمندی نوعی برتری می‌باشد که دارای سه بعد زیر است:

- توانایی به: قدرت امکان ایجاد تغییر.
- توانایی با: قدرتی که از کار و عمل با همدیگر جهت تحقق اهداف عمومی ناشی می‌شود.
- توانایی در: احساس خودستایی و احترام به خود که از درون افراد سرچشمه می‌گیرد (Willis, 2005: 102).

مشارکت در واقع وسیله‌ای است تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی بر نهادهای دولتی بتوانند بر مشکلات خود فائق آیند و بتوانند نیازهای خود را بر طرف سازند (پاپلی

یزدی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). شارل فوریه در نظریه کار دل‌انگیز معتقد است که کارمطبوع و دل‌انگیز به طور جمعی و به هیئت اجتماع میسر است (همان: ۱۲۳).

منفعت مادی و مشارکت: کسب ثروت به زعم اکثریت عامه مردم تمام فعالیت و افکار بشری را معطوف خود ساخته است. منفعت‌طلبی در گرو توانمندی و سلامت فکری و توانمندی مالی است. مشارکت اجتماعی توان مالی افراد و سلامت فکری را در حوزه اقتصاد افزایش می‌دهد و کسب ثروت را امکان‌پذیر می‌سازد. مشارکت پدیده‌ای است ذهنی و فرهنگی که باعث می‌شود مردم بی‌انگیزه و نظاره‌گر، به کارهای گروهی کشیده شوند و احساس مسؤولیت نمایند. این شیوه باعث ارتقای میزان بهره‌وری، ابتکار، افزایش تحرک، تصمیم‌گیری جمعی، انعطاف‌پذیری، جلوگیری از تک محوری و تک‌الگواندیشی، مردم‌سالاری و رشد شخصیت‌آهنایی که توانایی کارهای فردی را ندارند، می‌گردد.

اعتبار اجتماعی و مشارکت: هر کمدی اجتماعی بر محور اعتبار اجتماعی دور می‌زند. اعتبار اجتماعی ستایشی است که نقش‌های مردم در نهادهای اجتماعی برای کنشگران به ارمغان می‌آورد. نهادهای مدنی و سازمان‌های مشارکتی نقش‌هایی را برای پیشبرد اهداف سازمان و نهاد تعریف می‌کند و تلاش افراد در ایفای هر چه بهتر نقش‌های اجتماعی بیشتر با هدف ارتقاء پایگاه در درون یک موقعیت صورت می‌گیرد (صدر نبوی، ۱۳۸۴: ۳۰۳). ارتقاء پایگاه افراد منوط به ایفای مسؤولیت در هر یک از نقش‌هاست. هر چه افراد در چهارچوب نهادها، انتظارات دیگران را در نقشی که به عهده گرفته‌اند برآورده سازند، پایگاه اجتماعی بالاتری را کسب خواهند کرد. از دیگرمزایای مشارکت؛ اجماع و سلامت فکری، افزایش توان مالی، افزایش قدرت ریسک‌پذیری، همبستگی اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و احساس آرامش و افزایش مسؤولیت‌پذیری است.

مشارکت و روش تفکر عقلایی

مشارکت رفتار جمعی و اشتراکی افراد است و زمانی در جامعه نهادمند می‌شود که افراد در برابر آن رفتار منطقی و عقلایی داشته باشند. پرسش تبیینگر این مساله بدین صورت است

که عناصر روش تفکر معطوف به مشارکت کدامند و چگونه بر مشارکت تأثیر گذارند؟ منشاء و زیربنای توسعه، به روش تفکر برمی‌گردد و تحول آن، اولین گام توسعه تلقی می‌شود. قاعده‌مندی فکر منوط به ایجاد ارتباط عناصر تفکر عقلانی است. همانطور که مطرح شد مشارکت می‌تواند راهکار مناسبی برای توسعه باشد اما برای اینکه مشارکت کارآمد و مناسب توسعه شکل گیرد ابتدا بایستی آفات آن را شناسایی کرد. از عوامل عدم شکل‌گیری تشکلهای اجتماعی و اقتصادی دو عامل فکری و استراتژیکی را می‌توان نام برد. از عوامل روش فکری محدودیت‌زا می‌توان به اصول تک‌محوری و تک‌الگواندیشی، تشدید فردگرایی منفی، گریز از مسؤولیت‌پذیری و ضعف اعتماد نسبی متقابل میان افراد جامعه روستایی اشاره کرد. فرض کلی بر این است که این اصول مانع اجماع فکری و شکل‌گیری مشارکت مدنی در میان افراد جامعه می‌شود.

در این پژوهش ما از مضمون روش تفکر کارآمد وارد بحث می‌شویم یعنی نقش این اصول در شکل‌گیری مشارکت اجتماعی. مسؤولیت‌پذیری اجتماعی فکری است که مزایایی را برای گروه‌های اجتماعی به ارمغان می‌آورد؛ اول، هزینه‌های اجتماعی را پایین می‌آورد و می‌تواند تولید را با کاهش فشار کاری و یا انجام صحیح آن پایدار سازد. دوم، امکان دارد مسؤولیت اجتماعی یک فعالیت ضروری برای پایگاه اجتماعی به شمار می‌آید. سوم، سرمایه‌گذاران ممکن است ارزش مسؤولیت‌پذیری اجتماعی را در بازگشت سرمایه به عنوان یک فاکتور به حساب آورند (David, 2008: 270). از دیدگاه اویناس مسؤولیت نسبت به دیگری پایه و اساس تمامی بنیادهاست و فراسوی جوهر سوژه قرار دارد (جهانبگلو، ۱۳۷۶: ۱۴۹).

کمدی اجتماعی یا ایفای نقش‌های مختلف در جامعه به انسان غرور و حس اعتماد به نفس می‌بخشد و افراد را برای جامعه‌پذیری ترغیب و تشویق می‌کند و زمینه را برای مشارکت‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. بنابراین مشارکت مدنی مدم مستلزم مسؤولیت‌پذیری آنهاست؛ چون تشکلهای اجتماعی ذاتاً در بطن خود نقش‌هایی را می‌آفرینند و تا زمانی که این

نقش‌ها از طرف بازیگران به خوبی ایفا نشود تشکل پایدار نخواهد بود. مسؤلیت‌پذیری اجتماعی تعهد پایداری را برای حمایت و بهبود رفاه اجتماعی در حال و آینده در جهت پایداری منفعت و سود مشارکت‌کنندگان ایجاد می‌کند (Lin, 2009:57) و لذا بایستی تعهدات اجتماعی برای پایداری مشارکت به انجام برسد.

فردگرایی مثبت در برابر «اتکا به نفس» (پیتر کیوستو، ۱۳۸۴: ۱۲۳) قرار ندارد بلکه در چهارچوب منافع اجتماعی معنی می‌شود. این نوع فردگرایی یکی از عناصر اصلی توسعه اجتماعی است و فرد را در بستر جامعه معنا می‌کند. توسعه اجتماعی به معنای از هم پاشیدن همبستگی اجتماعی و رهایی از وجدان‌های فردی نیست بلکه به معنای پیدایش گونه‌های فردگرایی است که در سپهر علایق و آگاهی‌های جمعی قرار می‌گیرد (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). در ایران روحیه تفکر جمعی و مشارکت فکری بسیار ضعیف و تک‌روی و یک‌سو نگری بسیار قوی است. البته این ریشه در ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه دارد ولی آنچه مسلم است نتیجه چنین شیوه فکری است که برای شکل‌گیری نهادهای مدنی و مشارکت‌های اجتماعی محدودیت ایجاد می‌کند. از این رو توسعه‌یافتگی نتیجه صراحت فرهنگی و صراحت فرهنگی به نوبه خود نتیجه اجماع نظر پیرامون استنباط‌های کلان و مشترک است. فضای این صراحت فرهنگی در ذهن سلیقه‌ای افراد نیست، بلکه در عین و شکل اجتماعی است که از طریق اجماع نظر به دست آمده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۳: ۱۸). تک‌الگواندیشی نیز با فرهنگ فرد محوری رابطه مستقیم دارد. تک‌الگواندیشی «اثبات خود» در مخالفت با دیگران است (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) که یکی از آفت‌های مشارکت اجتماعی به شمار می‌رود. مخالفت با دیگران و خردانگاری اندیشه دیگران مانع شکل‌گیری اجماع فکری می‌شود و کارهای جمعی را محدود می‌سازد.

مشارکت و اعتماد رابطه متقابلی دارند، هر چه سطح اعتماد ضعیف باشد میزان مشارکت‌گرایی نیز پایین‌تر است و بالعکس. اعتماد با مخاطره کردن هم ردیف است. به زعم لومان هرچه شخص از کنش خودداری کند، مخاطره‌ای نیز نخواهد کرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۰).

عکس این قضیه از صحت بیشتری برخوردار است، زیرا هر چه افراد از کنش اجتماعی اجتناب کنند همبستگی و مشارکت اجتماعی ضعیف می‌شود و میزان آگاهی اجتماعی مردم نیز پایین‌تر می‌رود و فردگرایی منفی یا منفعت‌طلبی فردی جامعه را فرا می‌گیرد و پیامدهای منفی آن گریبان‌گیر همه اقشار مردم می‌شود. اما با توجه به اجماع فکری در نهادهای مشارکتی سلامت فکری افزایش می‌یابد و از میزان خطرپذیری کاسته می‌شود و در نتیجه اعتماد اجتماعی بالا می‌رود.

در مورد آینده‌نگری از مضمون تهدیدات آن وارد می‌شویم. با توجه به اینکه اکثر منابع زیستی ما جنبه همگانی دارد و محدودیت‌های آن زندگی کلیه ساکنان مکان‌های جغرافیایی را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین حفظ و نگهداری آن جنبه عمومی پیدا می‌کند مثل مراتع، آب، خاک که عمدتاً در روستاها عوامل اصلی تولید به شمار می‌روند ولی هر ساله میزان زیادی از این منابع از دسترس خارج می‌گردد و منابع درآمدی و اشتغال محدود می‌شود و دیگر منافع ابعاد حیات انسانی به خطر می‌افتد. حفظ و نگهداری آنها برای نسل‌های آینده نیازمند توجه همگانی است. بنابراین مشارکت مردم برای حفظ حقوق نسل آینده جنبه ضروری پیدا می‌کند. فقدان اندیشه آینده‌نگری سرشت سیری‌ناپذیر انسان را بدون ممانعت آزاد می‌سازد و منفعت‌طلبی آنی نهادینه می‌شود و منابع تولیدی را به خطر می‌اندازد. در این شرایط، آینده‌نگری جنبه اخلاق اجتماعی پیدا می‌کند و منافع فردی را در حفظ و بقاء منابع اجتماعی تعریف می‌نماید و مشارکت را برای حفظ پایدار منابع تشویق می‌کند.

عوامل زمینه‌ساز تفکر مشارکت‌گریز

این نوشتار بر روش تفکر جامعه‌روستایی به عنوان عوامل بازدارنده مشارکت تأکید می‌کند. و ریشه‌های تفکر مردم را در شرایط محیطی و بستر اجتماعی حاکم بر رفتار انسان جستجو می‌کند. آنچه که افکار و نگرش انسان را به دنیای خارج شکل و پرورش می‌دهد از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: ۱- زمان و مکان ذهن یا مقولات اولیه که پدیده‌های محیطی را پس از تجربه، به صورت ادراک سامانمند و قابل فهم در می‌آورد و ۲- مقولات ثانویه یا بدیهیات

خارجی که پس از تجربه و درک به صورت مقولات اولیه برای تجربیات بعدی درمی‌آید. آن چیزی که مهم به نظر می‌رسد، محیط و شرایط خارج از ذهن است که ماهیت نظام فکری انسان را تشکیل می‌دهد. محیط به عنوان بستر جغرافیایی، اشکال فکری و روش تفکر انسان را تحت تأثیر تحولات خود قرار می‌دهد. «رونالد جانسون» جغرافیدان انگلیسی بر این اندیشه است که رفتار انسان تحت تأثیر محدودیت‌های چهار محیط قرار می‌گیرد؛ ۱- محیط طبیعی (آب و هوا، پوشش گیاهی، زندگی حیوانی) ۲- محیط اجتماعی (فرهنگی و ساختارهای نهادی و سازمانی) ۳- محیط انسان ساخت ۴- محیط فضایی (شکوبی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). عوامل مهم محیطی که بر روش تفکر انسان عبارتند از:

- ناپایداری سیاسی و اقتصادی؛ ناپایداری بویژه از نظر سیاسی و اقتصادی، انگیزه و آینده‌نگری را در جامعه از بین می‌برد و منافع آنی را جایگزین آینده‌نگری می‌کند و فقدان آینده‌نگری، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی را برای آیندگان از بین می‌برد.

- استبدادگرایی و دیکتاتوری در نظام‌های اجتماعی روستایی؛ نظام‌های ارباب رعیتی و فضای دیکتاتوری در جوامع روستایی موجب نهادینه شدن فرد محوری و تک‌الگواندیشی شده و از طریق انتقال نسل‌ها به نسل امروزی رسیده است. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی مقرر و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتارهای نابهنجار زده و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع می‌کند (بزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

- تخصص‌گرایی و عدم توجه به خرد و هویت انسان؛ در مدرنیزاسیون ایران توجه به فن محوری، علم تجربی و تکنولوژی‌گرایی بیش از توجه به ماهیت آن شده است. تجدد ایرانی بیش از آنکه معطوف تغییر در ماهیت «خرد جمعی» و «هویت انسان» باشد، محصور در تقلید از مظاهر زندگی اجتماعی و ظواهر تکنولوژیکی دنیای جدید بوده است (مرادی، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

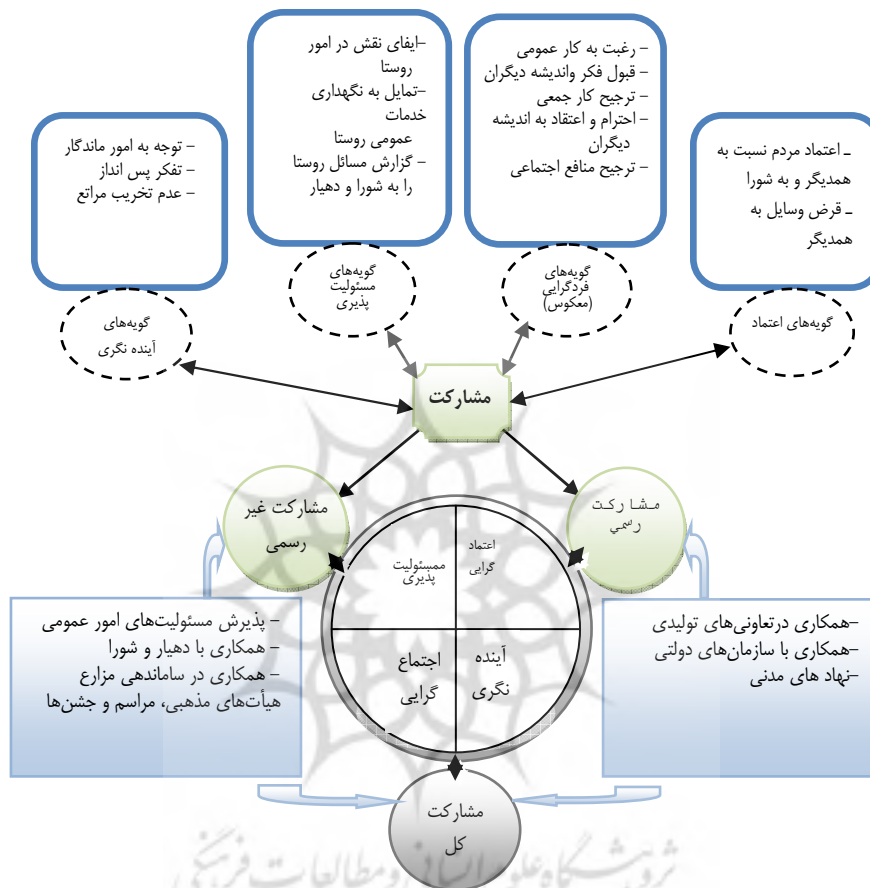
- ناملایمات و حوادث طبیعی؛ مخاطرات طبیعی مثل سیل، زلزله و خشکسالی که ویژگی بسیاری از روستاهای ایران است، روستائیان را افرادی فرد محور ساخته است چون انسان در مواقع بحرانی منفعت خود را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد.

مدل مفهومی تحقیق

برای تبیین ارتباط روش تفکر روستائیان با مشارکت آنها در فرایند توسعه روستایی ابتدا سوالی برای تعیین میزان مشارکت رسمی و غیررسمی روستائیان در سازمان‌ها و فعالیت‌ها مطرح شده است. سپس میزان مشارکت با مقولات و شاخص‌های فرهنگی - فکری جامعه مورد انطباق قرار گرفته تا تأثیر متغیرها بر مشارکت مشخص شود. در این تحقیق، منظور از مشارکت رسمی؛ همکاری در تعاونی‌های تولیدی، همکاری با سازمان‌های دولتی و نهادهای مدنی در زمینه توسعه روستا و مشارکت غیررسمی؛ پذیرش مسؤلیت‌های امور عمومی، همکاری با دهیار و شورا در زمینه عمران روستا، همکاری در ساماندهی مزارع، هیأت‌های مذهبی، مراسم و جشن‌هاست.

این پژوهش چهار گویه فرهنگی - فکری را برای سنجش مشارکت‌گرایی خود جوش و دلخواهانه مردم مورد استفاده قرار داده است که عبارتند از: مسؤلیت‌گریزی، تک‌الگو اندیشی و فرد‌گرایی، ضعف اعتماد میان مردم و فقدان آینده‌نگری.

در حالت فقدان روش فکری کارآمد، فرد دچار نوعی سردرگمی در انتخاب استراتژی منافع و قواعد رفتاری در جامعه می‌شود. این حالت موجب بروز روش‌های فکری از قبیل مسؤلیت‌گریزی، ضعف اعتماد افراد نسبت به همدیگر، ناامیدی نسبت به آینده و فقدان آینده‌نگری و فرد‌گرایی و تک‌الگو اندیشی می‌گردد. بنابراین برای سنجش میزان هر یک از این شاخص‌ها و همچنین جهت جلوگیری از خلط مبحث، از مضمون مخالف شاخص‌های فوق یعنی اعتماد، مسؤلیت‌پذیری، اجتماع‌گرایی و آینده‌نگری در تحلیل استفاده گردیده است.



نمودار (1) مدل تحلیلی تحقیق

یافته‌ها

میزان مشارکت مردم در ابعاد مختلف

براساس یافته‌های تحقیق، نزدیک به ۸۲ درصد پاسخگویان در مشارکت‌های رسمی اصلاً فعالیت نداشته و یا مشارکت کمتری داشته‌اند. در حالی که در مراسم غیررسمی نظیر هیأت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها و جلسات مذهبی و مراسم عروسی، میزان مشارکت بالاتر است.

از نظر میزان مشارکت کل ۵۲ درصد جامعه فاقد مشارکت و یا مشارکت کمی داشته‌اند. بنابراین مشارکت مردم در مجموع در حد کم و آن هم از نوع غیررسمی است. جدول (۱) نحوه توزیع مشارکت مردم در طیف لیکرت و در سه بخش مشارکت رسمی، غیررسمی و کل را نشان می‌دهد. برای سنجش میزان مشارکت‌های سه‌گانه گویه‌ای که بیشترین واریانس را داشته از طریق تحلیل عاملی و نتیجه در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی سه‌گانه در ابعاد مختلف رسمی، غیررسمی و کل

مشارکت اجتماعی رسمی		مشارکت اجتماعی غیررسمی		مشارکت اجتماعی کل		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۴۶۰	۳۹/۳	۰	۰	۳۲۰	۲۷/۴	اصلاً
۴۹۲	۴۲	۴۶۰	۳۹	۲۸۸	۲۴/۶	کم
۲۱۸	۱۸/۷	۳۲۰	۲۷	۱۷۲	۱۴/۷	متوسط
۰	۰	۱۷۰	۱۵	۱۷۱	۱۴/۶	زیاد
۰	۰	۲۱۸	۱۸	۲۱۸	۱۸/۶	خیلی زیاد
۱۱۷۰	۱۰۰	۱۱۷۰	۱۰۰	۱۱۷۰	۱۰۰	جمع

ماخذ: یافته‌های تحقیق

از نظر شاخص‌های فکری اعتماد مردم نسبت به همدیگر برابر با ۱/۵ می‌باشد که نشان‌دهنده اعتماد پایین مردم نسبت به همدیگر است. علاوه بر آن میانگین میزان اجتماع‌گرایی در جامعه مورد مطالعه ۱/۷ است که پایین‌تر از حد متوسط است. میانگین آینده‌نگری ۰/۶۴ و مسؤولیت‌پذیری ۰/۵ است که بین حد اصلاً و کم قرار دارد. به طور کلی میانگین شاخص‌های فکری مؤثر بر مشارکت‌گرایی در سطح پایینی قرار دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که بین روش تفکر و میزان مشارکت رابطه معناداری برقرار باشد.

جدول (۲) میانگین شاخص‌های فکری - فرهنگی

عنوان	اعتماد	اجتماع‌گرایی	مسئولیت‌پذیری	آینده‌نگری
میانگین	۱/۵	۱/۷	۰/۵	۰/۶۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۳) توزیع میانگین مشارکت مردم در روستاها را نشان می‌دهد که از الگوی کلی میزان مشارکت تبعیت می‌کند.

جدول (۳) میانگین مشارکت در روستاها

نام روستا	جمعیت	میانگین	رتبه
سنبل آباد	۷۷۹	۱/۶	۱
ویک	۵۵۹	۱/۲	۵
دوسنگان	۳۷۶	۱/۴۳	۲
بویین	۱۲۲۶	۱/۳۵	۳
ترکانده	۲۳۹	۱/۳	۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل روابط مشارکت اجتماعی با گویه‌های فرهنگی - فکری

در بررسی رابطه بین میزان اعتماد مردم نسبت به همدیگر و میزان مشارکت اجتماعی با استفاده از آزمون کای اسکوئر مشخص شد که هر چه افراد احساس اعتماد بیشتری نسبت به دیگران داشته باشند، به طور کلی مشارکت بیشتری از نوع رسمی دارند. میزان اعتماد مردم با فعالیت‌های غیر رسمی آنها ارتباطی ندارد. به واقع ماهیت مشارکت‌های غیررسمی به گونه‌ای است که اصولاً تابع مجموعه‌ای از آداب رسوم محلی و سنتی است. البته این مراسم بایستی روابط میان مردم را تقویت کند و آنها را جامعه‌پذیر سازد. ولی مردم عمدتاً بر اساس آداب رسوم سنتی در این مراسم شرکت می‌نمایند یعنی حالت اجبار وجود دارد. در حالی که فعالیت و مشارکت در فعالیت‌های رسمی مثل NGOها نیازمند زیرساخت‌های

قانونی، توانمندی فرهنگی - فکری و استراتژی‌های رسمی است و آداب رسوم می‌تواند حالت تشدیدکننده داشته باشد.

جدول (۴) ارتباط گویه‌های فکری - فرهنگی با مشارکت اجتماعی

گویه‌ها	مشارکت رسمی		مشارکت غیررسمی		مشارکت کل	
	سطح معناداری	کای اسکوئر	سطح معناداری	کای اسکوئر	سطح معناداری	کای اسکوئر
میزان اعتماد	۰/۰۰۳	۱۷/۶	۰/۷۷۶	۰/۵۰۷	۱/۰۰۰	۵۰
اجتماع‌گرایی	۰/۰۱۲	۱۴/۶	۰/۲۸۸	۴/۷	۰/۰۰۰	۲۴/۰۷
آینده‌نگری	۰/۰۰۰	۳۴/۰۷	۰/۵۸۶	۲/۸۸	۰/۰۰۰	۵۰
مسئولیت‌گریزی	۰/۰۰۰	۵۹/۸۷	۰/۳۲۲	۲/۲۶	۰/۴۳۸	۱/۶۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

رابطه اجتماع‌گرایی و مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که بین مشارکت رسمی و مشارکت کل با اجتماع‌گرایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به مشارکت پایین در روستاها از مضمون مخالف این قضیه می‌توان گفت که هدف اصلی مشارکت‌کنندگان رسمی، رسیدن به اهداف و منافع فردی می‌باشد که با فلسفه مشارکت مغایرت دارد و این امر میزان مشارکت اجتماعی را کاهش داده است. می‌توان نتیجه گرفت که یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از تعاونی‌های تولیدی، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی وجود روحیه فردگرایی در ذات جامعه بوده است. عدم وجود رابطه میان فردگرایی و مشارکت غیررسمی تأیید دیگری است بر اینکه این نوع مشارکت عمدتاً جنبه سنتی و عرفی دارند و مبتنی بر قرار دادهای اجتماعی است.

میزان ایفای نقش مردم در جامعه و قبول مسئولیت اجتماعی و نیز آینده‌نگری ارتباط مستقیمی با مشارکت اجتماعی دارد. هرچه میزان مسئولیت اجتماعی افراد بالاتر رود به همان میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد و بر عکس. با توجه به مشارکت حدود ۸۲ درصد مردم جامعه مورد مطالعه در فعالیتهای رسمی، می‌توان نتیجه گرفت که با

مسئولیت‌گریزی آنها ارتباط مستقیمی دارد. یعنی با پایین رفتن میزان مسئولیت‌پذیری میزان مشارکت اجتماعی کاهش یافته است. ولی مشارکت اجتماعی غیررسمی و مشارکت کل با مسئولیت اجتماعی ارتباط معناداری ندارد. به جهت اینکه در مشارکت رسمی، منفعت اجتماعی مثل پایگاه اجتماعی، منافع اقتصادی و قدرت، بیش از مشارکت غیررسمی وجود دارد از سوی دیگر به جهت تسلط فردگرایی در منطقه، مردم عمدتاً در این نوع مشارکت‌ها منافع فردی را ترجیح داده و نقش طفیلی‌گری را بازی می‌کنند و در نتیجه میزان مشارکت اجتماعی رسمی آنها پایین می‌آید.

جدول (۵) رابطه شاخص‌ها را مورد سنجش قرار داده تا ارتباط بین شاخص‌ها روشن شود روشن شود. ضرایب نشان می‌دهد که بین شاخص‌ها به جز آینده‌نگری با اجتماع‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. در مجموع هر چه میزان اعتماد مردم پایین‌تر رود سطح اجتماع‌گرایی کاهش می‌یابد. همچنین بین مسئولیت‌پذیری و سایر شاخص‌ها ارتباط معناداری برقرار است.

جدول (۵) ارتباط بین شاخص‌ها

مسئولیت‌پذیری		اعتماد		آینده‌نگری		اجتماع‌گرایی		
Pearson Correlation	Sig	Pearson Correlation	Sig	Pearson Correlation	Sig	Pearson Correlation	Sig	
						۱	۱	اجتماع‌گرایی
				۱	۱	۰/۰۲۷	۰/۴۲۵	آینده‌نگری
		۱	۱	۰/۴۴۳	۰/۰۰۱	۰/۳۷۳	۰/۰۰۴	اعتماد
۱	۱	۰/۳۹۷	۰/۰۰۲	۰/۴۱۶	۰/۰۰۱	۰/۳۶۶	۰/۰۰۴	مسئولیت‌پذیری

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل اهمیت شاخص‌های تفکر عقلایی در مشارکت

به منظور تحلیل درجه شاخص‌های تبیین‌گر تفکر عقلایی در مشارکت طبق نظرسنجی از جامعه مورد مطالعه از آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون بیان می‌کند که در مجموع، آیا از نظر پاسخ‌دهندگان همه شاخص‌ها درجه اهمیت یکسانی دارند. در این تحقیق

مقدار آماره آزمون فریدمن $۴۸۳/۵۶$ با سطح معناداری کوچک‌تر از حد لازم ($۰/۵$) می‌باشد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که شاخص‌های مورد آزمون، درجه اهمیت متفاوتی از نظر جامعه مورد مطالعه دارند. به واقع تفاوت مشاهده شده در میانگین امتیازها آنقدر زیاد است که می‌توان در نهایت آنها را متفاوت فرض کرد.

جدول (۶) میانگین رتبه‌ای شاخص‌های تفکر عقلایی

رتبه	میانگین	شاخص‌ها	رتبه	میانگین	شاخص‌ها
۸	۱۰/۵	استقبال از کار عمومی	۱	۳۴/۳	ترجیح منافع عمومی
۹	۱۰/۵	اهمیت پس انداز	۲	۲۲/۸	قرض وسایل به همدیگر
۱۰	۸/۹	توجه به امور ماندگار	۳	۲۲/۱	پذیرش فکر و اندیشه دیگران
۱۱	۸/۲	معکوس تخریب مراتع	۴	۲۱/۹	اعتماد به مردم و به شورا
۱۲	۶	گزارش مسائل روستا به شورا و دهیار	۵	۲۱/۱	ترجیح کار اجتماعی
۱۳	۵/۸	مشارکت در امور روستا	۶	۲۰	اهمیت به اندیشه دیگران
۱۴	۵/۵	پذیرش حفظ خدمات عمومی	۷	۱۶/۶	اعتماد مردم به همدیگر

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) آزمون فریدمن

N	۳۹۰
Chi-square	۴۸۳/۵۶
Asymp.sig	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بنابراین ترجیح منافع عمومی بر میزان مشارکت دارای اهمیت بالاتری نسبت به دیگر گویه‌ها دارد و پس از آن میزان اعتماد اجتماعی (قرض دادن، پذیرش افکار، اعتماد به مردم و شورا) در گرایش آنها به سوی فعالیت‌های گروهی موثر است. می‌توان گفت میان اعتماد و ترجیح منافع عمومی رابطه مستقیمی برقرار است به عبارتی هر چه میزان اعتماد افزایش

یابد ترجیح منافع عمومی نیز افزایش خواهد رفت. اهمیت آینده‌نگری و مسؤولیت‌پذیری مردم در مشارکت نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

جدول (۸) همگونی شاخص‌ها

عنوان	اعتماد	اجتماع‌گرایی	مسؤولیت‌پذیری	آینده‌نگری
میانگین	۱/۵	۱/۷	۱/۵	۱/۶۴
انحراف معیار	۱/۴۲	۱/۲۴	۱/۴۸	۱/۲۲
ضریب تغییرات c.v	۱/۲۶	۱/۱۴	۱/۹۹	۱/۳۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۸) نشان می‌دهد که جمع‌گرایی در مشارکت مدنی از اهمیت بالاتری برخوردار است زیرا میانگین آن بالاتر و ضریب تغییرات آن در جامعه کمتر است. میزان اعتماد در رتبه دوم قرار گرفته است. ضمن اینکه میزان مسؤولیت‌پذیری دارای کمترین اندازه و با بیشترین انحراف معیار و تغییرات ضریب است.

رابطه بین مشارکت اجتماعی با میزان تحصیلات و سن

بررسی روابط میان مشارکت رسمی و میزان تحصیلات آزمون t استودنت انجام شده است. معیار تقسیم افراد برحسب سواد مقطع راهنمایی (بالاتر و پایین) بوده است. سطح معناداری نشان می‌دهد میان میزان تحصیلات و مشارکت ارتباط معناداری برقرار نیست (جدول ۹). بنابراین روش تفکر و کیفیت فرهنگی مردم را نمی‌توان تنها در آموزش رسمی جستجو کرد. در واقع مجموعه شرایط حاکم توانسته است میزان اعتماد مردم نسبت به همدیگر را کاهش دهد و وضعیت اجتماعی را برای فعالیتهای گروهی کمتر کند و فردگرایی و تک‌الگواندیشی را در جامعه رواج دهد. بنابراین فردگرایی به نوبه خود مسؤولیت‌پذیری اجتماعی را که برای مشارکت مدنی یک زیربنا به شمار می‌رود به اضمحلال می‌برد و مشارکت اجتماعی و فعالیتهای گروهی را با چالش روبرو می‌سازد.

برای بررسی تأثیر سن افراد به دو گروه زیر ۳۰ سال، و بالای ۳۰ سال تقسیم شدند. نتیجه آزمون کی‌دو (جدول ۱۰) گویای این است که میزان سن با میزان مشارکت رابطه معناداری ندارد. توزیع افراد در دو گروه سنی به صورتی است که حدود ۴۴ درصد مردم در گروه اول و ۵۶ درصد در گروه دوم قرار دارند و میانگین مشارکت رسمی افراد زیر ۳۰ سال ۰/۷۲ و در بالای ۳۰ سال ۰/۷۶ است و میانگین مشارکت غیررسمی افراد زیر ۳۰ سال برابر با ۲/۲۸ و برای بالای ۳۰ سال ۲/۰۹ می‌باشد.

جدول (۹) آزمون معناداری تفاوت میزان مشارکت بر حسب تحصیلات

آزمون t					آزمون لیون			سواد
فاصله اطمینان تفاوت ۹۵٪		تفاوت خطای معیار	تفاوت میانگین	معناداری (۱۵۲امنه)	t	Sig	F	
بالا	پایین							
۰/۱۷۰۷۱	-/۴۶۱۶۲	۰/۱۵۶۴	-/۱۴۵۴۵	۰/۳۵۸	-/۹۳۰	۰/۵۰۹	۰/۴۴۵	با فرض برابری واریانس‌ها
۰/۱۷۰۵۶	-/۴۶۱۴۷	۰/۱۵۶۳	-/۱۴۵۴۵	۰/۳۵۸	-/۹۳۰	-	-	با عدم فرض برابری واریانس

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۱۰) رابطه میزان مشارکت با سن

N	۳۹۰
Chi-square	۳/۸۳۳
Asymp.sig	/۲۸۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی به عنوان عنصر اجتماعی در زندگی، علایق مشترکی پدید می‌آورد که حفظ و نگهداری آنها امر مشارکت را برای هر یک از افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

مشارکت اجتماعی به معنی قبول مسؤولیت فردی و اجتماعی است که هر کس بپذیرد با جامعه هماهنگ و همگام شده است. اکنون این سوال مطرح می‌شود که چرا مردم در کارهای عمومی مشارکت ندارند و یا کمتر مشارکت می‌کنند. آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که میان چالش‌های فکری و روش تفکر مردم با فعالیت‌های رسمی رابطه معناداری دارد. یعنی هرچه میزان فردگرایی بالا، مسؤولیت‌پذیری پایین، اعتماد میان مردم ضعیف و فقدان آینده‌نگری در جامعه روستایی بیشتر باشد به همان میزان مشارکت اجتماعی در سطح پایینی قرار می‌گیرد. از سویی مشارکت مردم با سطح سواد و میزان سن معنادار نیست، یعنی مردم در هرسنی و در هر سطح تحصیلات باشند عکس‌العمل‌شان نسبت به مشارکت یکسان است. در منطقه مورد مطالعه، گویه‌های اجتماع‌گرایی بیشترین اهمیت را در مشارکت مدنی داشته و میزان اعتماد اجتماعی در رتبه بعدی قرار دارد. با توجه به اینکه رابطه میزان مشارکت با سواد و سن معنادار نیست. پس نمی‌توان با افزایش سطح سواد میزان مشارکت را افزایش داد مگر اینکه دیگر شرایط جامعه را تعدیل نمود. می‌توان نتیجه گرفت تأکید به قانون‌گرایی در جامعه و کاهش وابستگی مردم به عوامل محیط طبیعی و اقتصاد صرف کشاورزی و توانمندسازی مردم از طریق سازمان‌های مدنی به منظور ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و افزایش آگاهی اجتماعی می‌تواند منجر به مشارکت فعال جامعه در فرایند توسعه روستایی شود. با توجه به اینکه نهادهای مدنی می‌تواند فرهنگ مشارکت را در جامعه نهادینه سازد ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مدنی می‌تواند بر موانع مشارکت غلبه نماید.

منابع

- ۱- بشلر، ژان (۱۳۷۰)، «ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی»، ترجمه علی اسدی، شرکت سهامی انتشار.
- ۲- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدمیر ابراهیمی (۱۳۸۱)، «نظریه‌های توسعه روستایی»، انتشارات سمت.
- ۳- جهانگلو، رامین (۱۳۷۶)، «مدرن‌ها»، نشر مرکز.
- ۴- حاجی هاشمی، سعید (۱۳۸۷)، «توسعه و توسعه‌نیافتگی»؛ روش تفکر و عقلانیت در توسعه، چاپ نشاط - اصفهان.
- ۵- رضوانی محمدرضا (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران»، نشر قومس.
- ۶- رضوانی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹.
- ۷- رهنما، مجید (۱۳۷۷)، «مشارکت، نگاهی نو به مفاهیم توسعه»، ویراستار ولفانگ زاگس، نشر مرکز.
- ۸- زاهدی، شمس‌السادات، غلامعلی نجفی (۱۳۸۵)، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، *مدرس علوم انسانی ویژه نامه مدیریت*، شماره ۴۹.
- ۹- سریع‌القلم محمود (۱۳۷۳)، «جایگاه برداشت‌های مشترک نخبگان در توسعه‌یافتگی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۷۹-۸۰.
- ۱۰- شایان، حمید (۱۳۸۷)، «مکانیابی سکونتگاه‌های خدماتی برتر بر اساس فن ارزشیابی مشارکتی در شهرستان مشهد»، *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۱.
- ۱۱- شکوئی، حسین (۱۳۸۲)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، جلد دوم، گیتاشناسی.
- ۱۲- صدرنوبی، رامپور (۱۳۸۴)، «گفتارهایی در علوم اجتماعی»، انتشارات ۵۹.

- ۱۳- کرایب، یان (۱۳۸۳)، «*نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*»، ترجمه عباس مخبر، نشر آگه.
- ۱۴- کیویستو، پیتز (۱۳۸۴)، «*اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*»، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، نشر نی.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، «*پیامدهای مدرنیت*»، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- ۱۶- لرنر، دانیل (۱۳۸۳)، «*گندر جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه*»، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- ۱۷- مرادی، علیرضا (۱۳۸۴)، «*مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه در ایران*»، جلد اول، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۱۸- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «*موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی*»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم شماره ۲۶.
- 19- Baron D., P., (2008), "Managerial Contracting and Corporate Social Responsibility", *Journal of Public Economics*, N. 92, PP.268-288.
- 20- Chin-Huang Lin, et al, (2009), "The Impact of Corporate Social Responsibility on Financial Performance: Evidence from Business in Taiwan", *Technology in Society*, No. 31, PP, 56-63.
- 21- Chilaka M.A, (2005), "Ascribing Quantitative Value to Community Participation: A Case Study of the Roll Back Malaria (RBM) Initiative in Five African Countries", *Public Health*, No. 119, PP. 987-994.
- 22- Leena A.L., (2004), "Purposes and Challenges of Public Participation in Regional and Local Forestry in Finland", *Forest Policy and Economics*, No. 6, PP. 605-618.
- 23- Primmer Eeva and, Simo Kyllonen, (2006), "Goals for Public Participation Implied by Sustainable Development and the Preparatory Process of the Finnish National Forest Programme", *Forest Policy and Economics*, No. 8, PP.838- 853.

- 24- Stewart M. Evans, et al, (2008), "Our Shared Responsibility": Participation in Ecological Projects as a Means of Empowering Communities to Contribute to Coastal Management Processes", *Marine Pollution Bulletin*, No. 57, PP. 3-7
- 25- Willis . Katie, (2005), "*Theories and Practices of Development*", ISBN 0-203-50156-X Master e-book ISBN.

